

Akhlāq-i zīstī

i.e., Bioethics Journal

2023; 13(38): e9

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

The Guarantee of Criminal Enforcement of Bioethics; Needs and Solutions

Fatemeh Sadat Ghoreishi Mohammadi¹

1. Faculty of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Bioethics is one of the emerging topics of the last few decades in the field of biotechnology, which has been discussed in many ways. However the relationship between criminal law and bioethics has not been given much attention. In this article, an attempt has been made to investigate the necessity of criminal intervention in bioethics and to develop a guarantee of criminal execution to comply with the elements of bioethics and to discuss the solutions in this regard.

Methods: The present study was carried out in a descriptive-analytical way using the library method.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present study, the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been respected.

Results: The findings indicate that the possible consequences of biotechnologies in areas such as human cloning and misuse that may threaten the life and nature of mankind through this biotechnology have made criminal intervention in bioethics a necessity. In other words, it is necessary to observe human dignity, the principle of informed consent, the principle of non-destruction and the observance of a treatment-oriented approach as important principles of bioethics, through criminal intervention, and the development of criminal guarantees. Bio-ethical criminal law, as it originates from minimal government, is qualified as minimal intervention, because otherwise, based on human-centered thought, it will lose its legitimacy and public support.

Conclusion: The standards of human rights are the most important standards that can be the basis for the formulation of criminal guarantee and criminal intervention in bioethics, because human rights seek to respect the rights of all human beings, and at the same time, bioethics seeks to respect human dignity, and to solve human biological dilemmas in the use of biological technology by appealing to informed consent and the principle of non-destruction. Indeed, there is a close semantic connection between human rights and bioethics.

Keywords: Biological Ethics; Guarantee of Criminal Enforcement; Criminal Intervention; Human Rights

Corresponding Author: Fatemeh Sadat Ghoreishi Mohammadi; **Email:** fateme.ghoreishi@pnu.ac.ir

Received: March 29, 2023; **Accepted:** July 01, 2023; **Published Online:** July 26, 2023

Please cite this article as:

Ghoreishi Mohammadi FS. The Guarantee of Criminal Enforcement of Bioethics; Needs and Solutions. *Akhlāq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2023; 13(38): e9.



انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی / مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی / انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت

مجله اخلاق زیستی

دوره سیزدهم، شماره سی و هشتم، ۱۴۰۲

ضمانت اجرای کیفری اخلاق زیستی؛ ضرورت‌ها و راهکارها

فاطمه‌السادات قریشی محمدی^۱

۱. گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: اخلاق زیستی از عناوین نوظهور چند دهه اخیر در عرصه فناوری زیستی است که دیدگاه‌ها و بحث‌های متعددی در خصوص آن مطرح شده است. ارتباط حقوق کیفری و اخلاق زیستی، اما چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در این مقاله تلاش شده به بررسی ضرورت مداخله کیفری در اخلاق زیستی و تدوین ضمانت اجرای کیفری برای رعایت عناصر اخلاق زیستی و راهکارها در این خصوص پرداخته شود.

روش: مطالعه حاضر به شیوه توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای به انجام رسیده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که تبعات احتمالی فناوری‌های زیستی در حوزه‌هایی مانند شبیه‌سازی انسان و سوءاستفاده‌هایی که ممکن است از طریق همین فناوری زیستی، حیات و ماهیت نوع بشر را تهدید کند، مداخله کیفری در اخلاق زیستی را به یک ضرورت مبدل ساخته است. به عبارتی، رعایت کرامت انسانی، اصل رضایت آگاهانه، اصل عدم نابودی و رعایت رویکرد درمان‌محور به عنوان اصول مهم اخلاق زیستی، مستلزم مداخله کیفری و تدوین ضمانت کیفری است. حقوق کیفری اخلاق زیستی چون برخاسته از حکومت حداقلی است، واجد وصف حداقلی مداخله است، چراکه در غیر این صورت، بر بنیاد اندیشه انسان‌محور، مشروعیت خویش را از دست داده و حمایت عمومی‌اش را از دست خواهد داد.

نتیجه‌گیری: موازین حقوق بشری مهم‌ترین موازینی است که می‌تواند مبنای تدوین ضمانت کیفری و مداخله کیفری در اخلاق زیستی قرار گیرد؛ زیرا حقوق بشر درصدد رعایت حقوق همه افراد انسانی است و در عین حال اخلاق زیستی نیز به دنبال رعایت کرامت انسانی و حل معضلات زیستی بشر در چارچوب فناوری زیستی با توسل به رضایت آگاهانه و اصل عدم نابودی است. در واقع، بین حقوق بشر و اخلاق زیستی ارتباط معنایی تنگاتنگی وجود دارد.

واژگان کلیدی: اخلاق زیستی؛ ضمانت اجرای کیفری؛ مداخله کیفری؛ حقوق بشر

نویسنده مسئول: فاطمه‌السادات قریشی محمدی؛ پست الکترونیک: fateme.ghoreishi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Ghoreishi Mohammadi FS. The Guarantee of Criminal Enforcement of Bioethics; Needs and Solutions. Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. 2023; 13(38): e9.

مقدمه

پیشرفت بیوتکنولوژیکی مدرن، به ویژه فناوری تغییرات ژنتیکی برای تبدیل شدن به ابزاری دو لبه که هم می‌تواند برای بشر سودرسان باشد و هم از طرف دیگر منجر به ضرررسانی گردد، ظرفیت بالقوه فراوانی دارد. فناوری تغییرات ژنتیکی، در صورتی که مسئولانه توسعه پیدا کند و بر اساس تعهدات حقوق بشری و اصول اخلاق زیستی مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند ارتقای سطح سلامت بشریت و حمایت از حقوق اولیه بشر را در پی داشته باشد، ولی چنانچه مورد سوءاستفاده قرار گیرد، عواقب خطرناکی را به دنبال خواهد داشت که در ترکیب با فناوری‌های جدید مثل نانوتکنولوژی و زیست‌شناسی مصنوعی ظرفیت تبدیل شدن به ابزاری علیه بشریت را دارد. «به دنبال پیشرفت‌های مهم در زمینه تغییرات ژنتیکی و از طرفی طرح امکان تحقق شبیه‌سازی انسان، به جهت ارتباط مؤثر این پدیده با انسان، امکان بروز خطرهای احتمالی همچون نقض کرامت و استقلال انسان، اصلاح نژاد، تولید انسان به عنوان کالا و مانند آن را قوت می‌بخشد. این‌گونه بود که چالش‌های مختلف حقوق بشری مطرح و مبنای مخالفت‌های بسیار با تغییرات ژنتیکی نامطلوب جهت تولید انسانی برتر از نوع طبیعی خود قرار گرفت» (۱). برخی، تغییرات ژنتیکی در انسان را ناسازگار با مفهوم کرامت دانسته و معتقدند پذیرش قدرت مطلق علم و خواست فرد و یا والدین به عنوان معیار اساسی، کرامت انسانی را در معرض خطر قرار می‌دهد (۲). این در حالی است که اخلاق زیستی می‌تواند و توانسته است دستاوردهای مهمی در حل برخی مشکلات مانند پیوند اعضا داشته باشد. جنگ دوم جهانی، نقطه عطفی در اصول اخلاقی سنتی حاکم بر حرفه پزشکی بود. پیشرفت سریع فناوری و اکتشافات انجام‌شده، به ویژه در زمینه مهندسی ژنتیک، پرسش‌های عمیق و جدیدی را درباره دانش بیولوژیکی و ارزش‌های انسانی مطرح ساخت. تعریف مرگ و زندگی و شروع حیات، محدوده ارزش ادامه حیات، دخالت انسان در امر تکامل، ابعاد اخلاقی آزمایشات ژنتیکی بر انسان و پیوند اعضا از جمله سؤالاتی بودند که همراه با وحشت و

نگرانی‌های شدید از احتمال تولید سلاح‌های بیولوژیکی و تغییر در اشکال مختلف حیات و گونه‌ها، به پیدایش جنبش و نظام جدیدی به نام اخلاق زیستی منجر شد (۳). اخلاق زیستی با تکیه بر ارزش‌های اخلاقی، معضلات اخلاقی فراروی تحقیقات و پیشرفت‌های زیستی و پزشکی و تجزیه و تحلیل اخلاقی این تحول‌ها، مباحثی را در عمل در حوزه‌های دیگر از جمله حقوق کیفری گشوده و بشر را ناگزیر به تدبیراندیشی در این زمینه نموده است. در کل آنچه مبرهن است این است که امکان سوءاستفاده از فناوری‌های زیستی، به شدت مطرح است. مسأله مهمی که در این جا کانون دغدغه قرار می‌گیرد این است که ضرورت مداخله کیفری از انحراف و سوءاستفاده از فناوری‌های زیستی چیست؟ در خصوص جنبه‌های نظری اخلاق زیستی پژوهش‌های متعددی انجام‌شده است؛ محمدرضا رهبرپور در مقاله‌ای به بررسی مبانی فقهی ممنوعیت و جرم‌انگاری در قلمروی اخلاق زیستی پرداخته است (۴). فروغ سنجریان و حسن رهنما، در مقاله‌ای دیگر، اخلاق زیستی در مهندسی ژنتیک را مورد بررسی قرار داده‌اند (۵). همچنین حسین محمودیان و بیتا پاک‌نیت چهارمی، در مقاله‌ای، ملاحظات اخلاق زیستی و حقوقی در پژوهش‌های سلول‌های بنیادی جنینی را بررسی کرده‌اند (۶). در مقاله حاضر، اما تلاش شده به بررسی این سؤال پرداخته شود که ضمانت اجرای کیفی اخلاق زیستی چه ضرورتی دارد؟ و چگونه قابل تبیین است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ضمن اشاره به مفهوم اخلاق زیستی، از ضرورت‌ها و راهکارهای مداخله کیفری و ضمانت اجرایی پیرامون اخلاق زیستی بحث شده است.

روش

این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به انجام رسیده است.

یافته‌ها

یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که لازمه رعایت کرامت انسانی، التزام به اصل رضایت آگاهانه، اصل عدم نابودی و رعایت رویکرد درمان محور به عنوان اصول مهم اخلاق زیستی است و این موارد، واگویی لزوم مداخله کیفی و تدوین ضمانت کیفی در حوزه اخلاق زیستی است. حقوق کیفی اخلاق زیستی، چون برخاسته از حکومت حداقلی است، واجد وصف حداقلی مداخله است، چراکه در غیر این صورت، بر بنیاد اندیشه انسان محور، مشروعیت خویش را از دست داده و حمایت عمومی‌اش را از دست خواهد داد.

بحث

۱. ضرورت مداخله و ضمانت اجرای کیفی در اخلاق

زیستی: نوپدیدبودن موضوعات در قلمروی اخلاق زیستی به انضمام چالش‌هایی که فناوری‌های نوین زیستی فراروی جامعه بشری به تصویر کشیده است، ایجاب می‌کند تا استفاده و به کارگیری این تکنیک‌ها و دست‌یازیدن به پژوهش‌هایی فراتر از قبل در حوزه زیست‌پزشکی، نیازمند تعیین ضوابط و چارچوب‌هایی باشد که ارزش‌ها، مصالح و منافع بشری را تضمین کند. این ضوابط و چارچوب‌ها تنها در قالب یک نظام قانونی و ضمانت اجرای مبتنی بر آن تجلی می‌یابد. در این میان مداخله حقوق کیفی در قالب جرم‌انگاری و کاربست ضمانت اجرای کیفی به دلیل تأثیر و کارآمدی بیشتر آن‌ها در قیاس با ضمانت اجرای مدنی و اداری اهمیت شایانی دارد.

اخلاق زیستی، قلمروی نوین در عرصه دانش‌های بین‌رشته‌ای در گیتی انسانی است که از رهگذر دغدغه بشر در ارتباط با پاره‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای «در معرض خطر» و بعضاً «مسأله‌دار» خویش پا به جهان اندیشه‌های انسانی نهاده است تا بتواند با بهره‌گیری از پاره‌ای اصول و در پرتو آرمان‌های غایی بشری، از موجودیت حیات و منزلت بشری حمایت کرده و ماندگاری و دوام آن را تضمین کند (۷). «اخلاق زیستی به یک روی به منزله جنبش مدنی برای احقاق حقوق بیماران،

زنان و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی نمودار گردید و به دیگر روی به منزله موضوع‌های اخلاقی ناشی از فناوری‌های پیشرفته زیست‌پزشکی و حتی زیست‌محیطی واجد اهمیت فراوان است. این اهمیت تا بدانجاست که باید از رهگذر اهرم‌های وزین قدرت سیاسی مورد حمایت قرار گیرد» (۸). به این سبب که حمایت و تضمین هستی این قلمرو ماندگاری و تداوم حیات انسانی را به همراه می‌آورد، حیاتی که شرط لازم و مقدمه آغازین شروع فرایند تحقق حقیقت بشری است. ارزش اخلاق زیستی در این است که می‌تواند چارچوبی عملی برای تصمیم‌گیری اخلاقی از رهگذر بررسی مشکلات علمی و پزشکی موجود در زمینه شمار متنوعی از منابع که شامل فلسفه، دین، تاریخ و حقوق می‌شود، فراهم سازد (۸).

ورود در گستره‌های مرتبط با اخلاق زیستی، به ویژه فناوری‌های زیستی و پزشکی و ژنتیکی که به شکل مستقیمی با حیات بشری درگیراند و دغدغه آن‌ها در نهایت، ارتقای وضعیت موجود بشری برای دستیابی به حقیقت موعود اوست، بعضاً مسائل و مشکلاتی را از باب ارزش‌های بنیادین اخلاق زیستی مطرح می‌سازد. پاره‌ای از این مسائل و مشکلات به شدت مغایر ارزش‌های بنیادین اخلاق زیستی بوده و در نتیجه در پاره‌ای از موارد، بنیان‌های اخلاق زیستی را به سمت و سوی نیستی بدرقه می‌کند (۱۰). از این روی، دولت از رهگذر گستره حقوق ناچار است وارد عمل شده و در این راستا تدابیر مقتضی بیندیشد. برخی از ارزش‌های بنیادین اخلاق زیستی، نظیر اصل احترام به اشخاص انسانی که می‌تواند از استقلال عمل فردی، حیات و منزلت انسانی به منزله لوازم آن یاد نمود، عدالت، عدم زیانباری و مواردی از این دست، از چنان اهمیتی راسخ برخوردارند که حقوق در تدبیراندیشی خویش، به گستره جزایی متوسل می‌گردد و با جرم‌انگاری هرگونه نقض این ارزش‌ها در چارچوب مصادیق عملی آن، گام‌های حمایتی از این ارزش‌ها برمی‌دارد. از این روی، حقوق کیفی نماینده حکومت است که در چارچوب آزادی تفویضی بدان وارد گردونه اخلاق زیستی می‌شود و با تأکید بر اصول اخلاق زیستی که رابطه مستقیم با حیات انسانی از یکسو و اهداف

بشر ۱۹۹۴ و اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۹۰ (۱۲). در قرآن آیاتی مانند آیه ۷۰ سوره اسراء («لقد کرما بنی آدم») از جمله مبانی کرامت ذاتی انسان می‌باشند. به طور کلی رعایت کرامت ذاتی انسان، شرط تحقق انسانیت در ساختار جامعه است. کرامت ذاتی انسان، یعنی عدم تحقیر انسانیت؛ زیرا شأن انسانیت مطابق آیه مورد اشاره جنبه الهی داشته و نباید نقض گردد. حفظ کرامت ذاتی انسان آثار حقوقی هم دارد. یک انسان بی‌آبروشده دیگر انجام هیچ کاری برای او زشت نخواهد بود. از این رو در مجازات کیفی بر روی این نکته تأکید می‌شود که می‌توان با حفظ کرامت ذاتی انسان، او را مجازات کرد و از همین رو مجازاتی چون سنگسار ناقض کرامت ذاتی انسان تلقی می‌شود و اقرار تحت شکنجه ممنوع می‌گردد. از نظر کانت (Kant)، قاضی هم در مجازات تبهکاران نباید انسانیت را بدنام کند، او باید تنها شرارت را در وجود انسان مجازات کند و به انسانیت مجرم خدشه‌ای وارد نکند (۱۳).

امروزه فناوری زیستی و مسأله تغییرات ژنتیکی، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی توسعه یافته است. در پرتو سرعت پیشرفت فناوری زیستی، احترام به اصول اخلاق زیستی هم به یک ضرورت تبدیل شده است. «اعلامیه حقوق بشر و برنامه عمل وین مصوب ۱۹۹۳ در بند یازده تصریح می‌کند که پیشرفت خاص، به ویژه در طب زیستی و علوم حیاتی و در فناوری اطلاعات ممکن است به طور بالقوه عواقب نامطلوب برای تمامیت، کرامت و حقوق انسانی افراد داشته باشد، از این رو درخواست می‌کند برای تضمین احترام کامل به حقوق بشر و منزلت انسانی در حوزه‌های مورد توجه جهانی، همکاری بین‌المللی صورت گیرد. کنفرانس عمومی یونسکو در حوزه‌های مرتبط با اخلاق زیستی و تغییرات ژنتیکی اقدامات قابل توجهی مبذول کرده است. اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر و اعلامیه بین‌المللی داده‌های ژنتیک انسانی، دو اعلامیه صادره توسط یونسکو هستند که از اتقان، انسجام، شفافیت و جامعیت برخوردارند» (۱۴).

از جمله اسناد بین‌المللی حائز اهمیت که به کرامت انسانی در روند فناوری زیستی در حوزه انسانی تأکید دارد، اعلامیه جهانی ژنوم انسان و حقوق بشر است. این اعلامیه به عنوان

عینی و ذهنی این حکومت که سرانجام ماندگاری حیات بشری را در نظر دارد؛ از سوی دیگر به برچسب وصف جرم به برخی از کنش‌های انسانی در این گستره اهتمام می‌ورزد (۱۱). اخلاق زیستی در وادی حقوق کیفی، به منزله حوزه‌ای نوین به شمار می‌آید که ضرورت دارد از رهگذر مداخله جزائی از آن حمایت به عمل آورد. به دیگر کلام، جرم اخلاق زیستی و در نگاهی کلان «حقوق کیفی ناظر بر اخلاق زیستی» به مثابه دامنه و حوزه‌ای بدیع در وادی حقوق کیفی خاص، روزنه‌ای نوین در دنیای علوم جنایی تلقی می‌گردد. موضوعات اخلاق زیستی، با توجه به وقوع خطرات و ناهنجاری‌های گوناگون اجتماعی، اخلاقی و حقوقی که متعاقب این فناوری‌ها محتمل قلمداد شده‌اند، همچون فروپاشی نظام خانواده، اختلال نظام طبیعی اجتماعی و نوع انسانی، برهم خوردن معادلات مربوط به ارث و نسب، نقض کرامت انسانی و بهره‌کشی از صاحبان تخمک و از بین بردن رویان و جنین‌های زنده و بسیاری موارد دیگر، بحث مداخله حقوق کیفی را به یک ضرورت مبدل ساخته است. در مجموع، دلایل و ضرورت مداخله و ضمانت اجرای کیفی در اخلاق زیستی عبارتند از:

۱-۱. ضرورت رعایت کرامت انسانی: رعایت کرامت انسانی اصل اساسی در اخلاق زیستی است که اهتمام بدان نیازمند مداخله حقوق و از جمله حقوق کیفی است. کرامت ذاتی انسان به آن شرافت و حیثیتی گفته می‌شود که تمامی انسان‌ها به صرف انسان بودن به طور فطری و یکسان از آن برخوردارند، این نوع کرامت امری ذاتی و غیر قابل انفکاک از انسان بوده و هیچ‌گونه ارتباطی با عقیده، نژاد، مذهب و مانند این‌ها ندارد و چیزی نیست که با ارتکاب جرم و جنایت علیه خود یا دیگران زائل شود (۱۲).

بنابراین اعمالی که سبب نقض کرامت ذاتی انسان می‌شود، نظیر خرید و فروش اعضای بدن انسان، شبیه‌سازی انسان، اجاره رحم برای کسب درآمد، در اسناد بین‌المللی ممنوع شده است. از جمله اسنادی که در آن‌ها کرامت ذاتی انسان مورد تأکید قرار گرفته، عبارت‌اند از کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹، منشور آفریقایی حقوق بشر ۱۹۸۱، منشور عربی حقوق

رعایت اصول و موازین خاصی است که در مواد دهم تا دوازدهم اعلامیه به آن پرداخته شده است.

در اعلامیه بین‌المللی درباره داده‌های ژنتیک انسانی که به عنوان دومین سند مهم بین‌المللی درباره ژنوم انسانی، در سی و دومین کنفرانس عمومی در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۳ تصویب شد نیز مشابه اعلامیه جهانی ژنوم انسان و حقوق بشر، بر کرامت انسانی تأکید ویژه‌ای صورت گرفته و در پرتو این دو سند تلاش شده دستاوردهای علمی نوین در زمینه ژنوم انسانی، به گونه‌ای سامان‌دهی شود که مورد سوءاستفاده قرار نگیرد و کرامت انسانی و حقوق و آزادی‌های اساسی افراد حفظ گردد. با این وجود سند حاضر فاقد هرگونه ارزش الزام‌آور بوده و هیچ الزام قانونی برای دولت‌ها ایجاد نمی‌نماید و نمی‌تواند کارایی مؤثری داشته باشد.

۱-۲. ضرورت رعایت اصل رضایت آزادانه و آگاهانه:

رضایت آزادانه و آگاهانه یکی دیگر از اصول اخلاق زیستی است که تحقق آن نیازمند ضمانت کیفری است. «در مورد انسان‌ها، رضایت ایشان به هرگونه عمل جراحی و دست‌بردن در ساختار بدنی ضرورت دارد. بند «ب» و «ج» ماده ۵ اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر به ضرورت اعلام رضایت آگاهانه فرد برای آزمایش‌های مجاز ژنتیکی اشاره دارد. آزادی شخص در اعلام رضایت، نامحدود نبوده و به دو شرط مهم مشروط است: نخست اصل زیان‌نرساندن است که بررسی می‌شود؛ دوم اینکه آزادی هر کس در اعلام رضایت بر عمل جراحی و درمانی تا جایی است که نسل او را که در واقع جزئی از نسل بشر به شمار می‌آید، در معرض انحطاط یا تغییر خطرناک قرار ندهد. برای تغییر در محیط‌زیست نیز رضایتی که مقید به دو شرط یاد شده است، ضرورت دارد» (۱۷).

اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر مصوب ۲۰۰۵ یونسکو از جمله اسناد بین‌المللی است که به اصل رضایت آزادانه و آگاهانه در روند فناوری زیستی در حوزه انسانی پرداخته است. مطابق ماده ۶ اعلامیه مورد اشاره: «تغییرات ژنتیک تنها باید با رضایت قبلی، آزادانه و آگاهانه شخص درگیر، مبتنی بر اطلاعات کافی صورت گیرد و برگشت از

اولین سند بین‌المللی که به صورت اختصاصی به مسأله ژنوم انسان می‌پردازد، در سال ۱۹۹۷ به وسیله یونسکو صادر شد. «اعلامیه جهانی ژنوم انسان و حقوق بشر مشتمل بر ۲۵ ماده می‌باشد و اگرچه برای دولت‌ها الزام‌آور نمی‌باشد، ولی تلاشی ارزشمند در جهت پیشبرد احترام به برابری و کرامت انسانی است. اعلامیه دربردارنده موارد مهمی در خصوص ژنوم انسان و ارتباط آن با حقوق اساسی و کرامت انسانی است، ماده ۱ اعلامیه حاضر، ژنوم انسانی را مبنای وحدت بنیادین تمامی اعضای خانواده بشری و اساس شناسایی کرامت ذاتی و تنوع آن‌ها محسوب نموده و به مفهوم نمادین، آن را میراث بشریت به شمار آورده است» (۱۵). ماده ۶ اعلامیه نیز اصل عدم تبعیض بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی را مورد تصریح قرار داده و مقرر نموده که هیچ کس نباید بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی در معرض تبعیض قرار گیرد که هدف یا تأثیر آن نادیده‌گرفتن حقوق بشر، آزادی‌های اساسی و کرامت انسانی است، لذا براساس این اعلامیه، «حیثیت ذاتی هر فرد باید فارغ از خصوصیات ژنتیکی او مورد احترام بوده و افراد بر اساس خصوصیات ژنتیکی‌شان مورد تبعیض یا دیگر رفتارهای غیر انسانی قرار نگیرند و خصوصیات ژنتیکی منحصر به فرد خودشان مورد احترام باشد» (۱۶). همچنین اگر به فردی در اثر تحقیقات یا مداخله مؤثر در ژنوم وی به طور مستقیم و معین خسارات یا آسیبی وارد آمده باشد، مطابق ماده ۸ اعلامیه حاضر، بر اساس قوانین بین‌المللی و ملی، چنین فردی باید حق دریافت غرامت عادلانه را داشته باشد. علاوه بر این مطابق ماده ۹ اعلامیه، به منظور حمایت از آزادی‌های اساسی و حقوق بشر، محدودیت‌ها درباره اصل‌های رضایت و محرمانه‌بودن فقط باید در قانون برای دلایل پیش‌بینی‌شده بر اساس الزامات حقوق بین‌الملل عمومی و نظام بین‌المللی حقوق بشر صورت پذیرد.

با وجود آنکه اصل آزادی پژوهش و تحقیقات که امری مقبول در نظام حقوق بشری است، مقتضی پژوهش آزادانه درباره ژنوم انسانی نیز می‌باشد، اما پژوهش در این حوزه مستلزم

چنین رضایتی توسط شخص درگیر در هر زمان و به هر دلیل باید ممکن باشد.» همچنین در ماده ۹ به این مسأله اشاره می‌کند که اطلاعات شخصی افراد، از جمله اطلاعات ژنتیکی آنان که برای مقاصد جمع‌آوری شده‌اند تنها بنا بر رضایت افراد مطابق با حقوق بین‌الملل به ویژه نظام بین‌الملل حقوق بشر قابل استفاده یا انتشار دانسته می‌شود. «اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر، ایراداتی دارد که از آن جمله می‌توان به ضعف ساختاری، بی‌توجهی به تعهد اشخاص حقیقی، ضعف در بیان اهداف، تبیین نادرست اصول حاکم بر اخلاق زیستی، نقص در بیان اصل عدم تبعیض و اهتمام مفرط به رضایت آزادانه اشاره نمود. مقدمه، قلمرو و اهداف اعلامیه به درستی تبیین نشده است. اصول بنیادین اخلاق زیستی می‌بایست به نحو شفاف و محققانه بیان گردد. اعلامیه به تعهد اشخاص حقیقی، کم‌توجهی نموده و منحصرأً دولت‌ها را مخاطب قرار داده است، حال آنکه ناقضان اصلی حقوق بشر در زمینه فناوری ژنتیک و تغییرات ژنتیکی نامطلوب، افراد حقیقی و حقوقی می‌باشند و از تعهدات این افراد و چگونگی اجرای آن در جهت حمایت از حقوق بشر سخنی به میان نیامده است. درست است که علی‌الاصول در حوزه حقوق بشر دولت‌ها متعهدند و متعهدانستن افراد در نظام بین‌الملل حقوق بشر جنبه استثنایی دارد، اما در مواردی حقوق بشر توسط افراد نقض می‌شود و گزاردن تعهد بر عهده افراد در نظام بین‌الملل حقوق بشر امکان‌پذیر است. یکی دیگر از مهم‌ترین اشکالات اعلامیه، عدم توجه به امکان تحدید اراده در پرتو کرامت انسانی است.

۳-۱. ضرورت اجتناب از پژوهش‌های مخفی و رعایت اصل احتیاط و مداخله برای اهداف پیشگیرانه، تشخیصی یا درمانی: اجتناب از پژوهش‌های مخفی و رعایت اصل احتیاط و مداخله برای اهداف پیشگیرانه، تشخیصی یا درمانی از دیگر اصول اخلاق زیستی است که تحقق آن نیازمند مداخله قانونگذار، از جمله در حیطه حقوق کیفری است. هرگونه پژوهش بر روی انسان یا محیط زیست باید آشکار بوده و نتیجه آن به صورت دقیق و به دور از پنهان‌کاری به جهانیان

گزارش شود، البته می‌توان برای جلوگیری از فاش‌شدن اسرار علمی مجاز اعلام نتیجه آن را با جلب رضایت مقامات ذی‌صلاح، به بعد از نهایی‌شدن پژوهش موکول کرد (۱۸). در همین حال پروتکل ایمنی زیستی کارتاها با تکیه بر «اتخاذ تمهیدات احتیاطی» که در اصل ۱۵ اعلامیه ریو در مورد محیط زیست و توسعه عنوان‌شده قوانین خود را بنا نهاده است. به طور نمونه در مقدمه بیان می‌دارد که: «با آگاهی از گسترش سریع بیوتکنولوژی جدید و توجه روزافزون افکار عمومی به اثرات بالقوه زیان‌آور تغییرات ژنتیکی نامطلوب بر تنوع زیستی و با لحاظ نمودن خطرات بالقوه‌ای که این امر برای سلامت انسان دربر دارد؛ همچنین با درک این واقعیت که اگر بیوتکنولوژی جدید با رعایت معیارهای ایمنی، سلامت انسان و محیط را در نظر داشته باشد، توان بالقوه زیادی برای تأمین رفاه بشر دارد، در عملکردهای مهندسی ژنتیک باید اصل احتیاط رعایت شود.» در این پروتکل بر رابطه میان محصولات ناشی از دستکاری ژنتیکی در نوع گیاه و حیوان و حق دسترسی به محیط زیست سالم به عنوان یکی از حقوق بشر در نظام بین‌الملل تأکید شده است. این پروتکل در واقع اولین سیستم قانونگذاری جامع برای اطمینان از انتقال، نگهداری و استفاده ایمن از محصولات دستکاری‌شده ژنتیکی را که در نظر است در بین کشورها جا به جا شوند، تنظیم نموده است (۱۹).

علاوه بر رعایت اصل احتیاط، در اسناد منطقه‌ای بر مداخله ژنتیک صرفاً برای اهداف پیشگیرانه، تشخیصی یا درمانی تأکید وجود داشته است. «به عنوان نمونه مطابق ماده ۱۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و کرامت انسان راجع به کاربردهای علوم زیستی و پزشکی: مداخله جهت اصلاح ژنوم انسان صرفاً می‌تواند برای اهداف پیشگیرانه، تشخیصی یا درمانی صورت گیرد» (۱۸) و یا ماده ۱۸ به صراحت مقرر می‌دارد: «تولید رویان انسان برای اهداف تحقیقی ممنوع است.» از عبارات این مواد می‌توان برداشت کرد که به طور ضمنی، شبیه‌سازی انسان و استفاده آزاد از رویان برای اهداف مختلف ممنوع شده است. به طور کلی، «این کنوانسیون بدون اشاره مستقیم به مسأله شبیه‌سازی انسان با تعیین بعضی

می‌شود. اولین معنی که با توجه به عبارت مذکور به ذهن متبادر می‌گردد، در مفهوم ساده ایجاد و شکل‌دهی یک موجود انسانی شبیه انسانی دیگر است» (۲۱). «با توجه به کاربرد این تکنولوژی و معایب احتمالی آن، به کارگیری و بهره‌بردن از این پدیده موافقان و مخالفانی را به همراه داشته است که در این راستا هر یک به دلایل متعدد تمسک جسته‌اند. بر این اساس برخی از کشورها با توجه به رویکردهای مذهبی، فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی خود با این پدیده برخورد نموده و در سیر قانونگذاری خویش به جرم‌انگاری آن پرداخته‌اند. متأسفانه در قوانین موضوعه ایران این پدیده مانند سایر پدیده‌های علمی و اجتماعی که خیلی دیر در عرصه قانونگذاری کشور وارد می‌شود، تاکنون در سیر قانونگذاری قرار نگرفته است و حتی پیش‌نویسی تهیه نشده که در دست بررسی باشد. همچنین دولت‌مردان هیچ‌گونه موضع رسمی که نشان‌دهنده سیاست جنایی ایران در قبال این پدیده باشد، اعلام نکرده‌اند. این در حالی است که ایران از جمله معدود کشورهای جهان است که به تولید سلول‌های بنیادین رویان انسان دست یافته است» (۲۱). «دولت‌ها با توجه به رویکردهای فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر جوامع خود به شبیه‌سازی انسان توجه داشته و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی درصدد وضع مقرراتی جهت قاعده‌مند نمودن این فناوری و اجرای آن برآمده‌اند. رویکردها و تفکرات حاکم در حوزه ملی و بین‌المللی در خصوص برخورد با مقوله شبیه‌سازی به دو صورت پدیدار گردیده است. برخی از کشورها به منع شبیه‌سازی توالدی و پژوهشی و جرم‌انگاری شبیه‌سازی با هر هدفی پرداخته‌اند که از این میان می‌توان به کشورهای ایالت متحده آمریکا، استرالیا و فرانسه اشاره نمود. فرانسه یکی از نخستین کشورهایی است که به اهمیت مسائل زیست اخلاقی پی برده است و این موضوع از سال ۱۹۹۳ فرانسه را به سوی تشکیل کمیته مشورتی ملی اخلاق علوم زیستی و پزشکی سوق داده که الگویی برای کمیته‌هایی بوده است که بعدها در دیگر کشورهای اروپایی تشکیل شده‌اند. همچنین فرانسه مجهز به یک مجموعه قوانین کاملاً نمونه در این زمینه است، زیرا این

استانداردها، موانعی چند را بر سر راه سوءاستفاده از رویان انسان ایجاد می‌کند» (۲۰). البته شبیه‌سازی با اهداف درمانی دارای فواید فراوانی است. وجود فواید فراوان این رویش و نیز این مهم که در درمان برخی بیماری‌ها استفاده از سلول‌های بنیادی جنینی حاصل از شبیه‌سازی درمانی تنها راه حل قطعی است، لزوم استفاده از این روش و انجام تحقیقات گسترده‌تر روی آن را مشخص می‌کند. از مشکلات استفاده از روش شبیه‌سازی لزوم تلاش زیاد برای به دست‌آوردن یک سلول تخم سالم و فعال است که برای به دست‌آوردن آن تعداد زیادی سلول از بین می‌روند؛ به ندرت در بلاستو سیست حاصل از همانندسازی، تعداد ژن‌های کافی باز برنامه‌ریزی می‌شوند تا جنین بتواند در رحم لانه‌گزینی کند و تمام مراحل تکوینی را طی نماید.

۴-۱. ضرورت رعایت اصل زیان‌نرساندن: اصل زیان‌نرساندن یکی دیگر از اصول اخلاق زیستی است که تحقق آن نیازمند مداخله کیفی است. «بدین مفهوم که هر پژوهشی در زیست انسانی یا محیط زیست او، باید با تکیه به این امر انجام شود که به ضرر برای انسان یا محیط اطراف او منجر نشود. این اصل را البته در صورتی که امر مهم‌تری در میان باشد، می‌توان تعدیل کرد. برای مثال، زیان به طبیعت را برای حفظ انسان پذیرفت. باید توجه داشت که هرگونه استنتاجی بر اصل فوق، باید به صورت محدود تفسیر شده و از افراط خودداری شود. در هر پژوهشی باید این اصل مهم را مد نظر داشت که تجربه‌آموزی استوار بر خطر برای نسل بشر ممنوع و محکوم است» (۱۷).

شبیه‌سازی یکی از فناوری‌های زیستی است که می‌تواند اصل عدم تبه‌کاری و زیان‌نرساندن را نقض کند. «شبیه‌سازی به عنوان تکنولوژی نوظهور، کانون توجه دولت‌مردان، پزشکان، حقوقدانان و سایر محافل علمی قرار گرفته است. این پدیده علاوه بر اینکه دریچه‌ای نو به روی جامعه بشری در خصوص خصایص درمانی‌اش باز می‌کند، نگرانی‌هایی را پیش روی جامعه بشری قرار می‌دهد. این فناوری به دو بخش شبیه‌سازی انسانی یا مولد و شبیه‌سازی درمانی یا پژوهشی تقسیم

پزشکی زیستی وحدت اصول پزشکی زیستی در چارچوب حقوق بشر است. با فرض نقشی که حقوق بشر در جهان تکثرگرایی فرهنگی به عنوان اخلاقیات جهانی ایفا می‌کند، این استراتژی مناسب به نظر می‌رسد. علاوه بر استانداردهای کلی که به تدریج ایجاد می‌شوند، اجماعی گسترده در مورد وضعیت اضطراری پیشگیری از دو مسأله خاص وجود دارد: ۱- مداخله در زنجیره سلولی؛ ۲- شبیه‌سازی انسانی» (۳).

وظیفه مقررکردن معیارهای مشترک در زمینه پزشکی زیستی گرچه مشکل است، لیکن با این وصف حقوق بشر علیرغم ضعف سازوکارهای اجرایی خود، تنها سازوکار موجود برای حمایت از مردم است و نباید فراموش شود که آنچه در برخی مسائل اخلاق زیستی، مد نظر است، چیزی جز حفظ هویت گونه‌های انسانی نیست. بنابراین مبالغه نیست که بگوییم ما در اینجا با مهم‌ترین انتخاب مواجه هستیم. به عبارت دیگر روشن به نظر می‌رسد که در صورت تعارض میان حفظ نوع بشر از آسیب و حمایت از منابع صرفاً مالی یا علمی، حقوق بین‌الملل باید به شق اول اولویت دهد. همان‌گونه که اشاره شد، در دو مسأله خاص مطروحه به سبب پیشرفت‌های ژنتیک، یعنی زنجیره سلولی و شبیه‌سازی انسان اجماع نظر وجود دارد» (۹).

تغییرات ژنتیکی به طور گسترده‌ای با اصول حقوق بشری در تعامل و ارتباط تنگاتنگ است. در همین راستا تأیید چندباره کرامت انسانی و حقوق گوناگون بشر در اسناد بین‌المللی حقوق بشری، گویای این است که جامعه بین‌المللی از تأثیر دستکاری ژنتیکی بر حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر آگاه است و قصد حمایت از این حقوق را دارد. با این موازین به نظر می‌رسد علاوه بر جنبه‌های اخلاقی و دینی، شاخه سومی به نام حقوق بشر و اصول حقوقی حاکم بر تغییرات ژنتیکی نیز می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. از منظر اصول حقوق بشری نیز بشر حق دارد که اولاً علوم را در غایت ممکن آن به پیش ببرد و نمی‌توان وی را از چنین حقی محروم نمود؛ ثانیاً حق در برخورداری از فناوری به منظور نیل به یک زندگی بهتر وجود دارد که این خود از نتایج بارز علم ژنتیک است، البته نمی‌توان از پیامدهای منفی این دانش نیز غافل بود که خود

مجموعه قوانین تمام عرصه زیست اخلاقی را دربر می‌گیرد و اصول بنیادین و اساسی را به گونه‌ای مطرح می‌سازد که از یکسو با حقوق اشخاص سازگاری دارد و از سوی دیگر منطبق بر لزوم عدم ایجاد مانع بر سر راه تغییر و تحولات بیولوژیک است» (۲۲).

«اخیراً قانونگذار فرانسه مجازات‌های مربوط به شبیه‌سازی انسان‌ها را تشدید کرده است. در قانون اساسی فرانسه حفظ شأن و منزلت انسانی یک اصل اساسی و ارزشمند می‌باشد که پایه و اساس قوانین زیست اخلاقی را تشکیل می‌دهد. پس از تولید مثل غیر جنسی میش در انگلستان و برانگیخته شدن احساسات شدید در سطح بین‌المللی، رییس‌جمهور فرانسه بلافاصله نسبت به آن ابزار نگرانی کرده و خواستار کسب اطمینان مبنی بر ممنوعیت کامل این تکنیک در مورد انسان گردیده است و از سال ۱۹۸۳ برای اولین بار از زمان ایجاد کمیته مشورتی ملی اخلاق پزشکی تاکنون مستقیماً به این کمیته مأموریت داده است تا اطمینان حاصل نماید که حقوق فرانسه به طور صریح تولید مثل غیر جنسی انسان را ممنوع اعلام نماید» (۲۱). با این حال، گرچه در برخی موارد اجماع تقریبی در خصوص فناوری‌های زیستی واکنش متناسب را تسهیل می‌کند اما مشکل اینجاست که همواره در خصوص ابعاد مختلف اخلاق زیستی مانند سقط جنین و اوتانازی وحدت نظر وجود ندارد.

۲. راهکار؛ مداخله و ضمانت کیفی اخلاق زیستی مطابق

موازن حقوق بشری: تا اینجای بحث به ضرورت مداخله کیفی و تدوین ضمانت کیفی به منظور رعایت اصول اخلاق زیستی اشاره شد و در این قسمت به مبنا و معیار این دخالت پرداخته می‌شود. حقیقت این است که همگان در اصول اخلاقی با یکدیگر توافق ندارند و به علاوه، اگر ظاهراً چندین اصل در یک مورد خاص، کاربرد داشته باشند، در کاربرد اصولی که به وسیله آن‌ها به سنجش و متعادل کردن اصول متعارض برای تصمیم‌گیری می‌پردازند، دچار اختلاف نظر می‌شوند؛ این امر برای همه طرف‌های چنین منازعه‌ای روشن است. «یکی از مهم‌ترین روش‌های ایجاد معیارهای مشترک

بین‌المللی در زمینه تغییرات ژنتیکی به احتیاط اعتقاد بیشتری دارد.

در برخی از اسناد بین‌المللی حقوق بشری به رابطه میان اصل عدم تبعیض و اصل برابری جنسیت‌ها و مسأله تغییرات ژنتیکی نامطلوب اشاره شده است. به طور نمونه در مواد ۲، ۵، ۶ و ۷ بیانیه جهانی حقوق بشر مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و مواد ۱ و ۵ کنوانسیون حقوق بشر و طب زیستی اروپا مورخ ۴ آوریل ۱۹۹۷، اعمال اصول برابری و عدم تبعیض و حق آزادی و شأن انسانی و زندگی خصوصی در ارتباط با کشفیات مربوط به ژن‌های انسان و به رسمیت‌شناختن ارزش‌های بشری مورد اشاره قرار گرفته است. علاوه بر این ماده ۶ اعلامیه ژنوم انسانی و حقوق بشر تصریح می‌کند که هیچ فردی نباید بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی با هدف نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در معرض تبعیض قرار گیرد. همچنین در ماده ۱۰ همین کنوانسیون و ماده ۲ بیانیه ذکر شده، به این نکته اشاره دارد که حفظ شأن و هویت انسانی، حتی اگر دامنه این حمایت در اسناد و اصول بین‌المللی مشخص نشده باشد هم در مورد هویت انسانی و هم هویت ژنتیکی بشر مصداق دارد. بنابراین در میان اصول بین‌المللی حقوق بشری اصولی یافت می‌شود که ارتباط تنگاتنگی با موضوع تغییرات ژنتیکی دارد.

در خصوص اصول و قوانین مرتبط با ژنتیک باید اظهار داشت که صرفاً جنبه‌های علمی را نمی‌توان مد نظر قرار داد، بلکه می‌بایست اصول دیگری را نیز مد نظر قرار داد که از جمله آن‌ها اصول اخلاقی، دینی و حقوق بشری است. در تمامی کشورهای جهان جایگاه اخلاقیات در تنظیم و تقنین قوانین امری یقینی و حتمی است و ارزش‌های اخلاقی جوامع جایگاه والایی در تدوین و تقنین قوانین دارد. در قلمرو ژنتیک با توجه به اهمیت این حوزه و نیز حساسیت‌های اخلاقی آن دیدگاه‌های متفاوتی در این خصوص وجود دارد. همانطور که در مبحث پیشین به آن اشاره شد، برخی اقدامات ژنتیکی را موافق با ارزش‌های اخلاقی می‌دانند و از این حیث که فناوری ژنتیک با تأثیر خود بر محصولات غذایی گیاهی و جانوری سبب بهبود معیشت انسان‌ها و تولید غذا می‌شود با آن

علیه حقوق و کرامت بشری است، لیکن این خطر منحصر به ژنتیک نیست و هر دانشی این آسیب‌های بالقوه را با خود به همراه دارد.

در رابطه با تعامل میان اصول حقوق بین‌الملل بشر و تغییرات ژنتیکی، اصل حفظ تنوع زیستی از اصول مهم در این حیثه می‌باشد. «منشور جهانی طبیعت، مصوب ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ مجمع عمومی ملل متحد، در مقدمه خود بیان می‌دارد که بشریت جزئی از طبیعت است و هر یک از گونه‌های زیست، منحصربه‌فرد بوده و ارزش مراقبت را دارد. بقای ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تمدن و در نهایت حفاظت از صلح به حفاظت از طبیعت و منابع آن بستگی دارد، از این رو هرگونه عمل انسانی، از جمله تغییرات ژنتیکی نامطلوب در نوع گیاه و حیوان که بر طبیعت اثر بگذارد، باید بر پایه اصول این منشور هدایت شده و مورد قضاوت قرار گیرد» (۲۳).

در مقدمه یادشده، نکته دارای اهمیت آن است که گونه‌های زیست و از جمله گونه زیست انسان، دارای ارزش مراقبت شناخته شده است و هرگونه عمل انسان، از جمله دستکاری ژنتیکی که دارای تأثیر بر طبیعت که بشریت جزئی از آن تلقی شده است، باشد، باید ارزش یادشده و اصل حقوقی مطروحه را رعایت نماید.

همچنین بسیاری از آزمایش‌های انسانی روی حیوانات انجام می‌شود؛ افزون بر پژوهش‌های آزمایشگاهی، شبیه‌سازی و پرورش حیوانات به کمک روش‌های مصنوعی برای بهره‌برداری یا تولید بیشتر مواد غذایی و صنعتی، از دستاوردهای دستکاری ژنتیکی است. نگرانی‌ها در مورد دستکاری بیوتکنولوژیک حیوانات نیز بسیار است. بروز بیماری‌های کشنده مانند جنون گاوی از پیامدهای این‌گونه دستکاری‌ها است که موجب به هم خوردن تعادل زیستی می‌شود (۲۴).

اما تأکید اصول بین‌المللی حقوق بشر در اسناد متعدد بین‌المللی بر لزوم حفظ اشکال حیات گونه‌های طبیعی و مراقبت از آن‌ها و حتی در مواردی طرح مسأله حق بر میراث مشترک بشریت در مسأله ژنوم انسانی نشان می‌دهد که جامعه

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی این سؤال پرداخته شد که ضرورت‌های وضع ضمانت اجرای کیفی اخلاق زیستی و راهکارهای آن چیست؟ نتایج نشان داد اخلاق زیستی فاقد ضمانت اجراست و نظم موجود وظیفه دارد تا با مداخله کیفی حیات شهروندان خود و ماندگاری حیات آن‌ها را تضمین و حقوق آن‌ها را در جامعه تأمین نماید و در راستای تحقق این هدف خود، بهترین ابزار و کارآمدترین روش را به کار گیرد و در این میان، حقوق کیفی به منزله ابزار تأثیرگذار حکومت، وارد عرصه عملی می‌شود و این مهم را به سرانجام مقصود می‌رساند. فناوری زیستی به عنوان دانشی که موجب تغییر و خلق پدیده‌های گیاهی، جانوری و انسانی می‌شود و دارای آثار مهمی در تداوم و کیفیت حیات بشر است، بایستی به گونه‌ای که هم دربرگیرنده دغدغه‌های اخلاقی و دینی باشد و هم موجبات حفاظت از موازین حقوق بشری را فراهم آورد، مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد تا سبب پیشرفت جنبه‌های مثبت این دانش و بهبود زندگی بشر شود. در چنین فرآیندهایی اصول حقوق بشری در کنار اصول مهم اخلاق زیستی می‌بایست مد نظر قرار گیرد. از این نظرگاه، مسئولیت حقوق کیفی در وادی اخلاق زیستی در دو جلوه تأمین امنیت فردی و انسانی تبلور می‌یابد. امنیت فردی در وادی اخلاق زیستی مبین ارتباط مستقیم امنیت با شهروندان است که شامل امنیت جانی و در واقع تمامیت جسمانی و روانی آن‌ها می‌گردد. امنیت فردی در هسته یا مرکز نظام امنیت تعاونی قرار دارد. امنیت فردی هدف غایی این نظام بوده و از این رهگذر باید امنیت بیشتری برای شهروندان فراهم گردد. در واقع در این نظرگاه، حمایت از آزادی‌های بنیادین افراد، هسته‌ای است که سایر اشکال امنیت باید از آن منشعب گردند. از این منظر که حمایت از حق‌های بشری و ترویج آن، شاخصه امنیت فردی تلقی شده، دارای سه جنبه امنیت جانی، مالی و فکری است. از این روست که حقوق کیفی اخلاق زیستی با تأکید بر این جنبه سعی دارد با نظارت و کنترل بر وادی زیست اخلاقی از رهگذر اتخاذ تدابیر مقتضی در امور و

موافق‌اند و در خصوص ژنتیک انسانی نیز با توجه به این مهم که ژنتیک می‌تواند نواقص موجود در میان انسان‌ها را برطرف نماید و زمینه‌ساز تولد انسان‌های سالم گردد، آن را کاملاً امری اخلاقی می‌دانند. در مقابل عده‌ای با این استدلال که ارزش‌های اخلاقی بر پایه روابط دستکاری‌نشده انسان‌ها قابل تصور است و نمی‌توان با این به اصطلاح توجیهات زمینه‌ساز مداخله ژنتیک در حوزه‌های مختلف شد، دانش ژنتیک را امری مغایر با اخلاقیات می‌دانند، چراکه روال طبیعی زندگی بشر را به مخاطره می‌اندازد و یک ساختار تصنعی را بر آن حاکم می‌کند (۲۵).

امروزه فناوری زیستی و مسأله تغییرات ژنتیکی، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی توسعه یافته است. «در پرتو سرعت پیشرفت فناوری زیستی، احترام به اصول اخلاق زیستی هم به یک ضرورت تبدیل شده است. اعلامیه حقوق بشر و برنامه عمل وین (۱۹۹۳ م.) در بند یازده تصریح می‌کند که پیشرفت خاص، به ویژه در طب زیستی و علوم حیاتی و در فناوری اطلاعات ممکن است به طور بالقوه عواقب نامطلوب برای تمامیت، کرامت و حقوق انسانی افراد داشته باشد، از این رو درخواست می‌کند برای تضمین احترام کامل به حقوق بشر و منزلت انسانی در حوزه‌های مورد توجه جهانی، همکاری بین‌المللی صورت گیرد. کنفرانس عمومی یونسکو در حوزه‌های مرتبط با اخلاق زیستی و تغییرات ژنتیکی اقدامات قابل توجهی مبذول کرده است. اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر و اعلامیه بین‌المللی داده‌های ژنتیک انسانی، دو اعلامیه صادره توسط یونسکو هستند که از اتقان، انسجام، شفافیت و جامعیت برخوردارند» (۱۴). به هر تقدیر، برخی نگرانی‌ها در خصوص فناوری مهندسی ژنتیک در بین عموم مردم و دانشمندان وجود دارد. از این رو به منظور استفاده ایمن از فواید و مزایای فناوری مذکور مجموعه تدابیر و مقرراتی اتخاذ شده است که به آن ایمنی زیستی می‌گویند. هدف از ایمنی زیستی نیز جلوگیری از بروز انواع مخاطرات در اثر استفاده از مواد زیستی در مقیاس انبوه است.

فعالیت‌های پزشکی و به ویژه در ارتباط با پیشرفت‌های اخیر فناوری‌های زیستی و پزشکی، از ایراد صدمه‌های جانی، اعم از جسمانی و روانی بر شهروندان ممانعت به عمل آورده و با اتخاذ تدابیر کیفی و انضباطی، تمامیت جسمانی و روانی شهروندان را تحت پوشش چتر حمایتی خود قرار دهد.

مشارکت نویسندگان

فاطمه‌السادات قریشی محمدی تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

- Dayani AR. Medical Ethics Law (Bioethics) and Gender Correction. *Journal of Judicial Law*. 2001; 5(29): 103-192. [Persian]
- Yadolahpour MH, Joorsaraei SGHA. Compatibility of human dignity with simulation. *Islam and Salam Magazine*. 2014; 1(1): 16-23. [Persian]
- Behnam S. The ethics and threats of genetically modified food products (collection of articles). 1st ed. Tehran: Published by the International Congress of Bioethics; 2005. p.153. [Persian]
- Rahbarpour M. Jurisprudential foundations of prohibition and criminalization in the realm of bioethics. *Islamic Law*. 2013; 42(3): 119-140. [Persian]
- Rahnama H, Sanjarian F. Bioethics in Genetic Engineering. *Journal of Ethics in Science and Technology*. 2011; 6(3): 68-76. [Persian]
- Mahmoudian H, Pakniat Jahromi B, Setayeshpour N, Nabiei P. A review of Bioethics and Legal Concerns Stem Cell Researches from Embryo Point of View. *Journal of Bioethics*. 2015; 5(18): 69-101. [Persian]
- Eslami MT, Dabiri A, Alizadeh M. Applied ethics. 1st ed. Tehran: Islamic Culture and Science Research Institute; 2007. p.143. [Persian]
- Elsan M. Principles of Bioethics. *Journal of Legal Research*. 2007; 10(45): 158-168. [Persian]
- Saed MJ. Criminal Law and Bioethics. 1st ed. Tehran: Shahr-e Danesh Legal Research Institute Publications; 2017. [Persian]
- Schuklenk U, Lott JP. Bioethics and (Public) Policy Advice. Edited by Thiele F, Ashcroft RE. Berlin: Springer; 2005. p.130.
- Schaller BR. Understanding of Bioethics and the Law: The Promises and Perils of the Brave New World of Biotechnology. Westport: Praeger; 2007. p.1.
- Rahiminejad S. Human dignity in criminal law. 1st ed. Tehran: Mizan Publishing House; 2008. p.115-159. [Persian]
- Kant A. Lessons in moral philosophy. Translated by Dareh Bidy MS. 2nd ed. Tehran: Naqsh va Negar Publications; 2010. p.267. [Persian]
- Gorban Nia N. Considerations on Universal Declaration on Bioethics and Human Right. *Ethics in Science & Technology Quarterly*. 2009; 4(1-2): 131-139. [Persian]
- Strauss SB, Tan HM, Boerjan W. Strangled at Birth? *Forest Biotech and the Convention on Biological Diversity*. *Nature Biotechnology*. 2009; 27(6): 519-527.
- West C. Economics and Ethics in the Genetic Engineering of Animals. *Harvard Journal of Law and Biotechnology*. 2006; 19(2): 414-442.
- Douglas T. Riminal Rehabilitation through Medical Intervention: Moral Liability and the Right to Bodily Integrity. *The Journal of Ethics*. 2014; 18(3): 101-122.
- Kanani Z. Bioethics. 1st ed. Tehran: Published by the International Congress of Bioethics; 2004. p.49-50. [Persian]
- Ghare yazie B, Mottaghi A, Vishlaq N, Rashedi H. Biosafety at International Agreements/ Organizations. *MLJ*. 2010; 4(12): 131-147. [Persian]
- Chew C, Douglas T, Faber NS. *Biological Interventions for Crime Prevention*. Oxford Academic. 2018; 14(3): 11-43.
- Fakour H. A Study on Criminalizing Human Cloning in Iranian Statutes. *MLJ*. 2009; 3(11): 145-170. [Persian]
- Salabaro F. Ethical Laws. Translated by Abbasi M. 1st ed. Tehran: Legal Publications; 2003. p.15. [Persian]
- Patterson D. Principles and foundations of genetics. Translated by Ghasemzade F. 1st ed. Tehran: Farhang va Honar Publications; 1987. p.138. [Persian]
- Rasekh M, Khodaparast AH. The Scope of Bioethics. *Journal of Reproduction & Infertility*. 2010; 11(4): 275-294. [Persian]
- Skage DJ. Law, Ethics and Medicine. Translated by Abbasi M, Mashayekhi B. 1st ed. Tehran: Paya Publications; 1998. p.86-88. [Persian]